



عظیم محمدی بر سر قرار داد بستن با فیلم‌ها داشتند از خدایشان بود چنین مشکلی برای آقای محمدی رخ دهد. آقای محمدی هم بنده خدا از این موضوع خبر نداشت و حرف آقای پورهاجریان به عنوان مدیر صنف را گوش کرد و آقای پورهاجریان هم هر چه خودش خواست در رسانه‌ها گفت. آقای «خاکی» که دادستان هستند و از دوستان قدیمی بنده، یک روز به من گفت که پرونده‌ی پیمان ابدی رایه او داده‌اند تا به عنوان یک کارشناس نظر بدهد که اصل ماجرا چه بوده، در بازبینی من هم دقیقاً تا زمان بیرون پریدن آقای ابدی از اتوبوس همه چیز درست پیش رفته و اگر اتوبوس مسیر خودش را به همان شکل ادامه می‌داد همه چیز هم درست تمام می‌شد اما پس از پریدن آقای ابدی به هر دلیلی اتوبوس دچار انحراف در حرکت می‌شود، یعنی در فیلم‌ها که نگاه کنید جلوی اتوبوس صاف است و عقیش کج می‌شود که متأسفانه آقای ابدی زیر چرخ‌های عقب اتوبوس می‌رود و کشته می‌شود.

### قربانیان جدال صنفی

**دوستان جلوه‌های ویژه در بحث‌ها و حرف‌های اخیر به خصوص در برنام‌های هفته‌ی قبل «هفت» متهم به نداشتن سواد و تجربه‌ی کافی شدند. آیا این اتهام درست است و اگر نیست دلیل شما به عنوان مدیر جلوه‌های ویژه چیست؟**

**حسن راستگو:** اول از همه ما معتزیم که چرا مگری یک برنامه‌ی سینمایی در انتخاب مهمان‌ها درام‌های دقت به خرج نمی‌دهد. آقای رضارستگار که ۱۵ سال است مواد منفجره ندیده، برای کارشناسی آمده و آقای اصغر پورهاجریان هم که

سابقه‌اش برای همه‌ی ما مشخص است پشت خط می‌آید و هر چه دوست دارد می‌گوید ولی ما هر چه تلاش می‌کنیم امکان برقراری ارتباط با دوستان برنامه‌ی «هفت» را پیدا نمی‌کنیم. آقای رسسولیان قرار بود در این برنامه بگوید که چه راهکارهایی وجود دارد تا بتوانیم از وقوع چنین حوادث تلخی جلوگیری کنیم. **ایمان گرمیان:** اتفاقاً نکته‌ی مهم اینجاست که با چه سند و مدرکی این اتهامی که شما می‌گویید را به بچه‌های جلوه‌های ویژه زده‌اند اصلاً مگر در صنف جلوه‌های ویژه، مدرک تحصیلی افراد وجود دارد که مدیران سابق اینقدر با قطعیت از بی‌سوادی بچه‌های این صنف حرف می‌زنند. در همین جا، من و آقایان ترکمان و قرایی فوق دیپلم شیمی داریم، آقای راستگو هم کارشناسی ارشد دارد. اینکه مثلاً خط من بد باشد، دلیل این می‌شود که من سواد ندارم؟ اصلاً نکته این است که چرا در یک تریبون زنده‌ی تلویزیونی کسی باید بیاید و به هم صنف‌های خودش توهین کند.

**حسن راستگو:** آقای پورهاجریان خودش پر حادترین کارها را انجام داده و تا امروز پر خطرترین مدیر جلوه‌های ویژه بوده.

**علی قرایی:** آقای دهقان سر صحنه‌ی فیلمبرداری به خاطر سهل‌انگاری آقای پورهاجریان کشته شد.

**حسن راستگو:** آقای دهقان یک جانباز بسیار خوشنام و دوست‌داشتنی بود که آقای پورهاجریان سر فیلم «قطعه‌ای از بهشت» ایشان را به کشتن داد.

**این حرف سنگین و اتهام بسیار بزرگی است. دلیل شما برای حرفی که می‌زنید چیست؟**

**اکبر محمدی:** اجرای غلط مدیر جلوه‌های ویژه‌ی فیلم همیشه قابلیت این را دارد که آدم‌های سر صحنه را به کشتن بدهد.

**علی قرایی:** دلیلش خیلی ساده است. در لحظه‌ی انفجار، آقای پورهاجریان انفجارها را نمی‌دید، کاری که بدیهی‌ترین عملی است که یک مدیر جلوه‌های ویژه باید انجام دهد.

**حسن راستگو:** همه‌ی ما وقتی مواد منفجره را جاسازی می‌کنیم باید از در مواد را ببینیم و به آنها اشراف داشته باشیم. به هر حال ممکن است یک لحظه اطراف مواد منفجره سر و کله‌ی آدمی پیدا شود که نمی‌داند در آن منطقه مواد منفجره کار گذاشته شده.

**اکبر محمدی:** اینها صحنه‌های میدانی است. ممکن است در یک لحظه، ده‌ها نفر با عناوین مختلف از باز یگر بگیر تا سیاهی لشکر و دستیار از محل انفجار عبور کنند. در زمان شروع فیلمبرداری هم هر کس کار خودش را می‌کند و سیاهی لشکر به بازی خودش می‌پردازد. در آن لحظه ممکن است آدم‌ها حواسشان نباشد در چه محدوده‌ای قدم می‌گذارند و این وظیفه‌ی مدیر جلوه‌های ویژه است که با اشراف کامل روی محل کارگذاری مواد منفجره، هر کجا احساس خطر کرد بلافاصله جلوی انفجارها را بگیرد. اصلاً اگر بر اثر انفجار خاک بلند شود و غیر فضا را بگیرد به نحوی که مدیر جلوه‌های ویژه نتواند روی سایر انفجارها تسلط داشته باشد باید همان لحظه خط دهد و فیلمبرداری متوقف شود. در صحنه‌ای که برای آقای دهقان اتفاق می‌افتد به دلیل عدم تسلط مدیر جلوه‌های ویژه‌اش انفجارها پشت هم انجام شده و آن وسط مرحوم دهقان هم کشته می‌شود. اصلاً می‌توانست صحنه‌های انفجار آن فیلم به شکلی بود که نیازی به بیش از یک انفجار وجود نداشت.

**علی قرایی:** همین آقای پورهاجریان سر فیلم «باران» به دلیل سهل‌انگاری کاری با جمشید هاشم‌پور کرد که او پنج ساعت در اتاق عمل بود و چشمش هم آسیب شدیدی دید.

**حسن راستگو:** آقای پورهاجریان که در برنامه‌ی «هفت» آن حرف‌ها را می‌زند باید یادش باشد که اول خودش را نگاه کند و خطاهایی که تا به حال کرده و به آدم‌های مختلف که سر صحنه‌ی فیلم‌ها آسیب رسانده را بشمارد بعد در مورد بقیه بچه‌هایی که در این صنف مشغول فعالیتند اظهار نظر کند.

### شرح حوادث مشابه

**هر کدام از شما تا به حال از این جنس حوادث سر صحنه‌ی کارهایتان داشته‌اید؟**

**علی قرایی:** همه‌ی ما به نوعی از این دست اتفاق‌ها سر صحنه داشتیم اما اتفاق بوده‌اند نه سهل‌انگاری.

**رضا ترکمان:** سر فیلم «دوئل» من و آقایان قرایی و گرمیان دستیاران آقای محسن روزبهانی بودیم. در یکی از صحنه‌ها که یک قطار انفجار کاشته بودیم. سر آن صحنه باید می‌رفتیم جای کامی‌نشستیم و به اصطلاح «مسکه» می‌کردیم. من یک گوشه‌ای نشستیم بودم که آقای روزبهانی آمدند و برخوردی با من کرد که نزدیک بود گریه کنم. به من گفتند چرا اینجا نشستمتی، گفتیم می‌خواهم انفجار بزتم، گفتند انفجارها را می‌بینی؟ گفتیم اولین انفجار را بله، گفتند پس پنج انفجار بعدی را می‌خواهی چه کار کنی؟ اگر یک نفر در این شلوغی ناگهان انحراف مسیر پیدا کند و کنار ماده‌ی منفجره‌ی تو زمین بخورد، می‌خواهی چه کار کنی؟ این برای ما درس عبرت شد. هر سه نفر ما الان شده کنار مواد منفجره بنشینیم، می‌نشینیم ولی باید تحت نظر شرایط بر صحنه‌های انفجار مسلط باشیم.

**ایمان گرمیان:** شما «دوئل» را نگاه کنید با آن همه سیاهی لشکر و آن حجم انفجار. اما اتفاقی برای کسی افتاد؟

**علی قرایی:** ما در آن صحنه‌ی معروف قطار در «دوئل» نزدیک به ۲۵۰ جاشنی انفجار کاشته بودیم. در آن شرایط، آقای روزبهانی غیر از ما سه نفر، هشت نفر دیگر را هم بین سیاهی لشکر هاشانده بود که در لحظه‌های انفجار، آدم‌ها را چک کنند. یعنی اگر فیلم «دوئل» و آن صحنه را ببینید ما خودمان در بین جمعیت هستیم که اگر آدمی حالش بد شد و خورد زمین، یاد آن شلوغی از مسیر منحرف شد بتوانیم کنترلش کنیم.

**اکبر محمدی:** همه‌ی اینها باعث می‌شود که در خصوص مرحوم شریفی‌راد هم با توجه به تخصص، حساسیت و دقت بسیار بالایی که داشت بگوییم بحث سهل‌انگاری وجود نداشته و صرفاً این داستان یک اتفاق تلخ بوده است.

**علی قرایی:** اصلاً ماشین آقای شریفی‌راد گاز سوخته بوده و امسال هم تا دلنجان بخواد، موردهای انفجار کسپسول گاز داشته‌ایم شاید مشکل اولیه از کسپسول بوده، شاید هم در جابه‌جایی‌ها جرقه‌ای زده شده احتمال‌های زیادی برای این حادثه می‌توان داد ولی آقای محمدی کاملاً درست می‌گویید، با توجه به تخصص آقای شریفی‌راد در بحث تسلیحات نظامی و اقامت‌المان سهل‌انگاری از طرف خود آقای شریفی‌راد فرضیه‌ای تقریباً نامحتمل است.

**اکبر محمدی:** سسر فیلم «تجات یافتگان» چیدمان صحنه‌ها خیلی طول می‌کشید. یک مساحت بزرگی که فرار بود کلی باز یگر در آن حضور داشته باشند. یک روز ساعت ۱۲ ظهر بعد از درست کردن چاله‌های انفجاری متعدد من واقعا یک لحظه فراموش کردم که موقعیت کل چاله‌های انفجاری از چه قرار است. همین باعث شد که کار را تعطیل کنم. شاید نزدیک به ۲۰۰ نفر آدم انجام‌منظر شروع کار بودند خیلی از عوامل اصلی کار هم از من داخل شدند ولی گفتیم تا زمانی نتوانم دوباره تمرکز کنم و موقعیت چاله‌ها را دقیقاً به خاطر بیابورم این خطر را نمی‌کنم که فیلمبرداری شروع شود. به همین دلیل است که می‌گویم در صحنه‌های شلوغ، یک بی‌دقتی کافی است تا صدمت و حوادث جبران‌ناپذیری به وجود آید.

**برگر دیم به بحث بی‌سوادی و عدم تجربه**

**که برخی مدعیان در بین مدیران جلوه‌های ویژه‌ی سینمای ما وجود دارد و می‌تواند بسیار آسیب‌زننده باشد.**

**رضا ترکمان:** هر چند من به تخصص هم معتقدم ولی به نظر من در زمینه‌ی جلوه‌های ویژه، تجربه، کمک بیشتری می‌کند.

**علی قرایی:** اصلاً ما در هیچ جای دنیا رشته‌ی تخصصی برای تدریس جلوه‌های ویژه نداریم که حالا بخواهیم انتظار داشته باشیم مدیران جلوه‌های ویژه‌ی ما تحصیلات آکادمیک داشته باشند. من نمی‌دانم بی‌سوادی از منظر آقای پورهاجریان یعنی چه؟ یک زمانی شما تحصیلات آکادمیک ندارید ولی در زمینه‌ی رشته‌ای که کار می‌کنید کلی تحقیق و مطالعه انجام می‌دهید. من الان ۲۲ سال است در این کار مشغولم. بسیاری از بچه‌های فعلی هم تجربه‌هایی در همین حدها دارند. ما از زمانی که دستیار آقای روزبهانی بودیم هر ترکیب جدیدی که درست می‌کردیم را ابتدا می‌پریدیم در بیابان‌ها تست می‌زدیم و بارها این کار را انجام می‌دادیم تا خطرات احتمالی آن را بتوانیم کمتر و کمتر کنیم. من شاید شیمی نخوانده باشم اما مواد شیمیایی را کاملاً می‌شناسم. سرعت واکنش مواد را می‌شناسم و از همه مهم‌تر اینها را از نزدیک تجربه کرده‌ام. همه‌ی بچه‌های فعلی جلوه‌های ویژه هم به همین ترتیب مادر تجربه به این درجه رسیدیم که می‌توانیم در یک دیوار، مواد منفجره کار بگذاریم. بعد یک خط بکشیم و شما را پشت خط نگاه داریم و بعد دیوار را منفجر کنیم و به شما مطمئن‌باشیم که یک تکه از خرده‌ریزه‌های دیوار بعد از انفجار از آن خطی که ما برایتان کشیده‌ایم و شما پشتش ایستاده‌اید، آن ورتر نمی‌رود.

**اکبر محمدی:** همه‌ی بچه‌هایی که الان در جلوه‌های ویژه مشغول به کار هستند و مدیریت می‌کنند پیش از مدیریت شدن حداقل ۱۰ سال دستیار بوده‌اند. در زمینه‌ی کار خودشان، بچه‌های بسیار باسوادی هستند و شک نکنید برای کاری که انجام می‌دهند واجد صلاحیت لازم و کافی هستند.

**ایمان گرمیان:** در دوره‌ی مدیریت قبلی، من و آقای قرایی یک روز رفتیم صنف جلوه‌های ویژه که ما را بیرون کردند. همان جا به دوستان گفتیم سه تا دانش آموز با هم به کلاس اول می‌روند، یکی اول تا پنجم را در پنج سال می‌خواند، یکی در هفت سال و یکی هم در دو سال. شما نمی‌توانید بروید بزیند پس کله‌ی آن کسی که دو ساله خوانده و بگوید چرا دو ساله خواندی. خب آن آدم هوش داشته، به جای طرد او باید کمکش کنید تا با استفاده از تجربه‌ی دیگران مسیر را بهتر جلو برود. در دوره‌ی مدیریت آقای پورهاجریان، من و بسیاری از دوستان مثل همین مثالی که زدم به جای اینکه به ما کمک کنند، پس کله‌مان زدند.

**علی قرایی:** متأسفانه آقای پورهاجریان هیچ وقت اجازه نداد نیروهای



**دهمکنی در همان حالی که گریه می‌کرد گفت که جواد شریفی‌راد دقیقاً قبل از انفجار می‌گفت که این موادی که به او داده‌اند قابل اعتماد نیست. قبل از آقای شریفی‌راد هم تمام دوستان حاضر در این جلسه با این مواد کار کرده و به آن اعتراض کرده‌اند و گفته‌اند این مواد اپتوتولیت برای کار ما استاندارد نیست**

جدید و جوان در این صنف حضور داشته باشند. ایشان چون فکر می‌کنند اگر نیروهای جدید وارد کار شوند فرصت کاری خودشان از بین می‌رود، در این سال‌ها اجازه نداد بسیاری از جوان‌هایی که پیش از ۱۰ سال تجربه‌ی دستیار داشتند و کارنامه‌ی بسیار موفقی از خودشان به جا گذاشته‌اند در صنف خودشان به عنوان مدیر جلوه‌های ویژه مطرح شناخته شوند. اگر آقای پورهاجریان و امثال او بیگار هستند به خاطر حضور نیروهای جوان نیست، به خاطر این است که خودشان را به روز روزه نکرده‌اند، مواد جدید را نمی‌شناسند و هنوز هم از همان روش‌های بیست سال پیش استفاده می‌کنند در حالی که کارگردان‌های امروز با روش‌های جدید آشنا هستند و از ما کار جدید می‌خواهند. الان ما به جایی رسیدیم که در دل باز یگر انفجار می‌زنیم مثلاً در فیلم «روز سوم» کنار گوش پسر بچه انفجار می‌زنیم بدون اینکه درهای به او آسیب برسد خب امثال آقای پورهاجریان که امروز مدعی بی‌سوادی بچه‌های جلوه‌های ویژه هستند می‌توانند چنین کاری کنند؟ آنها هنوز توانایی‌شان در همان حد است که چاله بکنند و مواد را در چاله بکارند و منفجر کنند و تمام.

**ایمان گرمیان:** به نظر ما باید در صنف جلوه‌های ویژه به جای اینکه مرتب زیر پای بقیه را خالی کنیم بهتر است همدل شویم و برای همه‌ی اعضا هم از پیشکسوت و جوان، مدیر و دستیار احترام قائل شویم. بسیاری از ما به خصوص همین عزیزانی که اینجا نشستند یک تیم هستیم. هر کدام از ما سر هر کاری برویم سعی می‌کنیم اگر کمکی از دستمان برمی‌آید برای دیگری انجام دهیم. بارها همه‌ی ما جوان‌ترها به امثال مرحوم شریفی‌راد گفته‌ایم شما هر کجا احساس کردید به کمک نیاز دارید به ما بگویید تا بیاییم برایتان دستیار می‌کنیم. وقتی این همدلی نباشد نتیجه‌اش این می‌شود که روی آنتن زنده‌ی تلویزیونی اینگونه زیر آب همکارانمان را بزنییم. ما همین الان به این توانایی رسیدیم که برای صحنه‌های انفجاری دیگر از مواد منفجره بهره‌گیریم و به جایش از باد استفاده کنیم. ما به این سمت وسور رفتیم که کاری کنیم خطر از این هم کمتر شود اما به هر حال هر کدام از ما دوستان بودجه‌ی محدودی داریم و خیلی جاها هم نیاز به مجوزهای مختلف، باید پشتیبانی شویم. اگر پشتیبانی نشویم تمام تلاش‌هایی که می‌کنیم بی‌نتیجه می‌شود و ثمر خواهد ماند.

**حسن راستگو:** ما اینجا یک نکته‌ی مهم وجود دارد ایاماتک تک باید به سراغ انجام امور و گرفتن مجوزها برویم؟ اگر اینگونه است پس چه نیازی به صنف است؟ مدیرانی که در این سال‌ها حتی یک قدم برای بهبود وضع کاری بچه‌های سینما برنداشتند امروز باید پاسخگوی این مشکل باشند. در برنامه‌ی «هفت» مستقیماً به آقایان عظیم‌محمدی، اکبر محمدی و محسن روزبهانی توهین شده‌ی شکلی به کل بچه‌ها توهین کردند گفتند رضی صعب‌العلاج دارند معتاد هستند سواد ندارند ما به برنامه اعتراض داریم چون آقای رضارستگار کارشناسند و حق اظهار نظر دارند و نه آقای پورهاجریان که سال‌هاست کار نکرده‌اند.

**علی قرایی:** البته ما تمام این اتهامات را قطعاً به صورت قانونی پیگیری خواهیم کرد و افرادی که اینها را گفتند به دادگاه خواهیم کشاند.



ایمان گرمیان  
حسن راستگو  
عظیم محمدی

اکبر محمدی  
رضا ترکمان  
علی قرایی